

برایت نامی سراغ ندارم

عاشقانه‌های کوتاه

نزار قبانی

گزینش و ترجمه

سودابه مهیجی



سنگی

دیباچه

بنفشه‌ی من
روزی که این کتاب بی‌شبهت به دیگران را ورق می‌زنی
در فاصله‌ی تک‌تک حروف
واژگانم را درود بفرست
واژگان و حروفی که یک روز درباره‌ی تو نوشتم و ادیبانه شد.
درباره‌ی چشمانت با روشنایی نوشتم
و کسی جز من آیا چنین کرده؟
تو اقلیمی ناشناخته بودی
من آمدم و بر سینه‌ات آسمان‌ها و شهاب‌ها را افکندم.

شهوتم با شعر مربوط است
 پس زن، شعری ست که چون می سرایمش می میرم
 و چون از یادش می برم می میرم...

امروز نمی گویم دوستت دارم
 چه بسا فردا هم نگویم
 تا زمین شکوفه‌ای بیار آورد نه ماه طول می کشد
 و شب چه عذاب‌ها خواهد چشید تا ستاره‌ای بدنیا بیاورد
 و انسان هزاران سال منتظر می ماند تا پیامبری ظهور کند
 پس تو چرا کمی صبر نمی کنی
 تا معشوقه‌ی من شوی؟!؟